

مهار فساد سیستماتیک، نیازمند تغییرات بنیادین سیاسی

انتشار خبر تخلفات بزرگ موسسه ثامن الحجج دریچه جدیدی برای دیدن فساد گسترده و ساختاری در جمهوری اسلامی گشود. این موسسه که به وسیله شخصی فاقد هر نوع صلاحیت بانكداری و با سرمایه‌ای اندک تاسیس



شد، توانست در سایه پیوند با مراکز قدرت و در نتیجه فساد و بی کفایتی مقامات نظام بانكداری کشور و فقدان نظارت و شفافیت، در ظرف چند سال بیش از دوازده هزار میلیارد تومان پس‌انداز سپرده‌گذاران کوچک را جذب و در شبکه رانت‌خواران به یغما ببرد. صندوق‌های مالی و اعتباری تنها محدود به ثامن الحجج نبوده و تکلیف پرونده‌های تخلفات و چپاول‌های مشابه موسساتی چون کاسپین، آرمان، فرشتگان، افضل توس و فردوسی هنوز مشخص نیست و در اغلب موارد حتی نام مدیران و اسامی هیات مدیره موسسات یاد شده نیز معلوم نیست!

موسسات مالی و اعتباری در دهه گذشته عملاً به میدانی برای فریب مردم و جلب سپرده‌ها، توزیع رانت‌ها، کسب ثروت‌های نامشروع از طریق دریافت وام‌های کلان و عدم پرداخت آن بدل شدند. حجم عظیم کلاهبرداری‌ها و تداوم و استمرار آنها تردیدی باقی نمی‌گذارند که افراد دارای نفوذ بالا در بلوک قدرت، در پشت این موسسات ایستاده‌اند.

در هفته‌های اخیر واردات غیرقانونی خودرو با ادعای هک شدن سایت وزارت صنعت، استفاده از دلار های ۴۲۰۰ تومانی تخصیصی برای فروش در بازار آزاد و شرکت سازی‌های کاذب و حیف و میل کردن وسیع ارز دولتی، مرزهای باورناپذیری نسبت به دامنه فساد در ایران را جابجا ساخت.

رواج گسترده پولشویی، فقدان حاکمیت قانون، مداخله وسیع دولت در اقتصاد، فقدان شفافیت در فعالیت‌های اقتصادی، قوه قضائیه ناکارا و فاسد، دستمزدهای پایین، نبود استانداردهای جامع مالی و بانکی، آمار بالای قاچاق، انحصارات اقتصادی پدروانه، نظارت‌های ضعیف، فقدان آزادی‌های رسانه‌ای، اختلال حکومت در گردش آزاد اطلاعات، و کنترل سپاه و بیت رهبری بر بخش مهمی از اقتصاد ایران و فقدان هرگونه حسابرسی ملی و مالیاتی بر آنها، کشور را دچار فساد عمیق و سیستماتیک کرده است.

فساد چنان با ساختار حکومت درهم‌تنیده است که می‌توان جمهوری اسلامی را "حکومت فساد" نامید. بر مبنای برخی از ارزیابی‌های کارشناسی حجم اقتصاد آلوده به فساد در ایران رقم خیره‌کننده ۳۴۱ بیلیون دلار است. مقامات جمهوری اسلامی اگرچه همواره داعیه فسادستیزی داشته و یکی از اهداف خود را حذف فساد اقتصادی نظام سیاسی پیشین اعلام می‌کردند، خود بعد از چهار دهه کارنامه بسیار منفی‌تری بر جای گذاشته‌اند. براساس گزارش سازمان بین‌المللی شفافیت در سال ۲۰۱۷، ایران در میان ۱۸۰ کشور جهان از نظر میزان فساد اداری در رتبه ۱۳۰ قرار گرفته است. براساس این گزارش، وضعیت ایران در جدول با ۴ کشور گامبیا، اوکراین، میانمار و سیترائون یکسان بوده و از میان همسایگان مرزی و منطقه‌ای ایران نیز، فقط دو کشور افغانستان و عراق وضعیتی بدتر از ایران دارند.

فساد در کشور ما "سیستماتیک" است. بخش مسلط قدرت از ابتدا با تجمیع ثروت عمومی در نهاد ولایت فقیه از این حربه برای توزیع هدایت شده منابع به نیروهای خودی و حامی پروری استفاده کرده است. در کنار این رویکرد، سیاست‌های پوپولیستی و غلط اقتصادی که ساده‌انگارانه به جای فقرزدایی از طریق گسترش تولید، نظام اعانه‌ای و گداپروری را در دستور کار قرار می‌داد، باعث غارت و حیف و میل افسانه‌ای دارایی‌های عمومی و گسترش شدید اختلافات طبقاتی شده است. امروز نوکیسه‌ها و طبقات برخوردار بی‌ریشه جدید از اضمحلال نظام اقتصادی کشور باندهای شبه مافیایی برای غارت ثروت کشور تشکیل داده‌اند که از طریق شبکه‌هایی به کشورهای اروپایی و آمریکایی گسترش یافته و منسوبان به حکومت از طریق امتیازات و رانت‌ها موقعیت‌هایی برای خود در خارج از کشور درست کرده‌اند.

هیچ چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای برای مهار روند فزاینده فساد اقتصادی وجود ندارد. آلودگی هر دو جناح اصلی جمهوری اسلامی به فساد و سیستم رانتی، بر بستر استبداد حاکم، عدم شفافیت و نظام قضایی فاسد و ناکارآمد باعث شده تا نظام سیاسی ظرفیتی برای مقابله موثر با فساد نداشته باشد. هر پرونده فساد اقتصادی ابتدا با هیاهو در عرصه عمومی طرح شده و سپس مشمول مرور زمان شده و با تدابیری متهمان اصلی و جریان‌های قدرتمند پشت پرده از مکافات رهایی یافته و روند

رسیدگی از مسیر درست خود منحرف می‌شود. شوربختانه عملکرد حکومت باعث شده تا فساد در جامعه هم گسترده شده و قبح و زشتی خود را از دست بدهد. اکنون بخش‌هایی از جامعه آن را به عنوان واقعیت‌گریزناپذیر و روش رایج پذیرفته و حساسیت خود را از دست داده‌اند. از زاویه‌ای دیگر آستانه تحمل مردم به جان آمده از مشکلات اقتصادی در خصوص فساد و غارت اموال عمومی نیز به صفر رسیده و تحمعات فزاینده اعتراضی در نقاط مختلف کشور گویای این ادعا است.

از اینرو فساد سیستماتیک موجود، نتیجه مستقیم نظام سیاسی مبتنی بر تئوری ولایت فقیه است که با خارج کردن راس هرم قدرت و نهادهای زیر مجموعه آن از نظارت‌های عمومی و سپردن بخش مهمی از اقتصاد به نظامیان، زمینه را برای سوء استفاده‌ها و تاراج اموال عمومی مساعد ساخته است. دستگاه قضائی که باید با مفاسد برخورد کند نیز خود آلوده به فساد و تحت کنترل صاحبان قدرت است.

به باور ما سازمان‌های امضاکننده این بیانیه، مهار الیگارشی افسارگسیخته باندهای مافیایی، در هم شکستن مقاومت ذی‌نفعان، صیانت از اموال عمومی و سالم‌سازی اقتصاد کشور با موانع اساسی ناشی از ساختار سیاسی و قضایی مواجه است، در نتیجه تنها در سایه برچیده شدن ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه از طریق گذار مسالمت آمیز به دموکراسی و تقویت جامعه مدنی می‌توان عفریت سیاه فساد را از آسمان میهن دور ساخته و اموال عمومی به یغما رفته را بازپس گرفت.

هیئت سیاسی - اجرایی:

اتحاد جمهوری خواهان ایران

حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

سازمان‌های جبهه ملی ایران در خارج از کشور

همبستگی جمهوری خواهان ایران

۱۰ مرداد ۱۳۹۷ (اول اوت ۲۰۱۸)